



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُرِيهِمْ  
آيَاتِهِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه راستان : زندگی چهارده معصوم علیه‌السلام قسمت مربوط امام حسن عسکری علیه‌السلام

نویسنده:

## دایره المعارف تشیع

ناشر چاپی:

دایره المعارف تشیع

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... راه راستان زندگانی چهارده معصوم علیه‌السلام
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... امام حسن عسکری
۹	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## راه راستان زندگانی چهارده معصوم علیه السلام

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: راه راستان: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام / مولف دایره‌المعارف تشیع

مشخصات نشر: تهران: شهید سعید محبی، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ص ۳۸۱

شابک: ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۶۴-۹۱۴۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۶۴-۹۱۴۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۶۴-۹۱۴۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۰۶۱۱-۹۶۴-۹۱۴۰۰۰ ریال

۹۱۴۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی

یادداشت: چاپ دوم: ۱۸۰۰۰: ۱۳۸۱ ریال

عنوان دیگر: زندگانی چهارده معصوم علیه السلام

موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: دایره‌المعارف تشیع

رده بندی کنگره: ۲۲/BP۳۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۰۹-۷۶

### امام حسن عسکری

امام حسن عسکری (ع)، ابومحمد حسن بن علی، امام یازدهم از ائمه‌ی اثنی عشر (ع) و سیزدهمین معصوم از چهارده معصوم (ع). پدر بزرگوارش امام علی هادی (ع) هنگام تولد فرزند، شانزده سال و چند ماه بیشتر نداشت، مادرش بانوئی صالحه و عارفه به نام سوسن یا حدیثه یا سلیل بود. تولدش به اختلاف روایات در ماه ربیع‌الاول یا ربیع‌الآخر سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ ق و بنا به اکثر روایات در مدینه اتفاق افتاده است که بعضی در سامرا گفته‌اند و آن درست نیست. ۲۲ یا ۲۳ سال داشت که پس از وفات پدر بزرگوارش امام هادی (ع) (۲۵۴ ق) به امامت رسید و در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ق که حدود ۲۸ یا ۲۹ سال داشت وفات یافت و در خانه‌ی خود و جوار قبر پدر خویش در سامرا به خاک سپرده شد در شمایل آن حضرت آورده‌اند که رنگش گندمگون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود و با آنکه جوان بود مشایخ قریش و رجال و علمای زمان را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. دوست و دشمن به برتری او در علم و حلم وجود و زهد و تقوی و سایر مکارم اخلاق اذعان داشتند. چون او و پدر بزرگوارش امام هادی (ع) در محله‌ی عسکر (قرارگاه سپاه) در شهر سامرا زندگی می‌کرد به عسکری لقب یافتند و نیز این دو امام مانند امام جواد (ع) به احترام جد بزرگوارشان علی بن موسی الرضا (ع) به ابن‌الرضا [صفحه ۳۶۰] مشهور بودند. عثمان بن سعید عمری و بعد از او پسرش محمد بن عثمان پیشکار و دربان حضرت و علی بن عباس معروف به ابن‌الرومی (م ۲۸۳ ق) شاعر منقبت‌گوی آن حضرت بود. مدت کوتاه حیات امام به سه دوره تقسیم می‌گردد: تا چهار سال و چند ماهگی (و به قولی تا ۱۳ سالگی) از عمر شریفش را در مدینه به سر برده، تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می‌زیسته (۲۵۴ ق) و تا ۲۹ سالگی یعنی شش سال و اندی پس از رحلت امام دهم (ع) در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را به عهده داشته است. امام هادی (ع) پسر دیگری به نام ابوجعفر محمد داشت که بنا به برخی روایات از جمله روایتی که شیخ طوسی در کتاب الغیبه آورده مقرر بود

امامت شیعه به او برسد و امام دهم به امامت او اشارت فرموده بوده است (و قد كان اشار اليه و دل عليه). محمد بن علی مردی با ورع و پارسا - دارای جلالت قدر و نبالت شأن - و مورد احترام اصحاب پدر خویش بود. اما این پسر در زمان حیات امام از دنیا رفت و بعضی از شیعیان در این بابت به اندیشه فرورفته از جمله ابوهاشم داود بن قاسم جعفری گوید من اندیشه بودم که امام هادی فرمود بلی خداوند به جای ابوجعفر ابومحمد (امام حسن عسکری (ع)) را امام قرار داد همچنانکه درباره‌ی اسمعیل (فرزند امام صادق (ع)) و امام کاظم (ع) چنین شد. این روایت یکی از روایات مهم دال بر نص امامت امام حسن عسکری (ع) است. مزار محمد بن علی در یک فرسخی سامرا زیارتگاه مسلمین است و پس از مرگ نیز کرامات و خوارق عاداتی به او نسبت می‌دهند. اعراب برای او معجزاتی قائل هستند و سوگند دروغ به او یاد نمی‌کنند. امام دهم را برادر دیگری بود به نام جعفر که نزد شیعیان به لقب کذاب معروف شد. بعد از آنکه امام عسکری (ع) [صفحه ۳۶۱] از سوی پدر به امامت منصوب گردید (بعد از فوت محمد بن علی) جعفر مدعی وی گردید و شروع به کارشکنی و توطئه‌گری و فتنه‌انگیزی بسیار نمود و بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری (ع) هم دعوی امامت کرد و منکر وجود امام غایب (عج) شد. در حوادث رجب سال ۲۵۵ ق گفته‌اند که دو تن از سادات علوی حسنی به نام عیس بن جعفر و علی بن زید در کوفه خروج کردند و عبدالله بن محمد بن داود بن عیسی را در آن شهر کشتند و عده‌ای به سبب قتل عبدالله بن محمد گرفتار و زندانی شدند. یکی از این اشخاص ابوهاشم داود بن قاسم جعفری است که روایت می‌کند شبی امام حسن عسکری (ع) و برادرش جعفر را به زندان آوردند و جعفر زاری و بی‌قراری می‌کرد ولی حضرت عسکری (ع) او را ساکت می‌نمود. در روایت مذکور آمده است که متصدی زندانی کردن امام، صالح بن وصیف یکی از سرداران معروف بوده است. آن حضرت مدتی از ایام حبس خود را نزد شخصی به نام علی بن اوتامیش (که در تلفظ آن اختلاف است) گذراند و این مرد با همه‌ی شدت بغض و عداوت به آل محمد پس از یک روز مشاهده‌ی احوال امام از پیروان و معتقدان ایشان گشت. می‌گویند عباسیان و منحرفان از آل محمد (ص) بر صالح بن وصیف فشار آوردند که بر امام در زندان سخت بگیرد و او گفت دو تن از شریرترین افراد را مأمور این کار کرده است اما با دیدن حسن بن علی تحول یافته و روی به عبادت و نماز آورده‌اند. وقتی علت این تغییر حالت را از ایشان پرسیدم گفتند از فیض دیدار امام به این سعادت رسیده‌ایم، او تمام روزها را روزه می‌گیرد و هر شب تا بامداد به نماز ایستاده است، با هیچ کس سخن نمی‌گوید و جز عبادت به کاری دیگر نمی‌پردازد، مهابت او بدان حد است [صفحه ۳۶۲] که وقتی به ما نگاه می‌کند به لرزه می‌افتیم و خود را به کلی می‌بازیم. جماعتی روایت کردند که در مجلس احمد بن عبیدالله بن خاقان عامل خراج و رئیس املاک شهر قم صحبت از آل علی (ع) که در سامرا به سر می‌بردند به میان آمد. او گفت: از علویان کسی را در عفاف و حسن سیرت و رفتار و شرف و احترام در خاندان خود و بنی‌هاشم و نزد خلیفه چون حسن بن علی بن محمد (ع) ندیدم. او بر قاطبه‌ی بنی‌هاشم مقدم بود و مقام و منزلتی والاتر از سایر مشایخ قریش و دولتمردان و سران سپاه و وزیران و کارمندان دولت و همه‌ی مردم سامرا داشت و همه با او به حرمت رفتار می‌کردند. روزی در مجلس رسمی پدرم ایستاده بودم که پرده‌داران گفتند: ابومحمد ابن الرضا بر در است. پدرم با بانگ بلند گفت: راه را باز کنید تا بیاید. من تعجب کردم که چطور جرأت کردند از کسی با کنیه نزد پدرم نام ببرند. جز خلیفه و ولیعهد او یا کسانی که از خلیفه درباره‌ی آنها امر صادر شده بود هیچ کس را با کنیه نزد پدرم نام نمی‌بردند. پس مرد جوانی با چهره‌ای گندمگون و چشمانی درشت و سیاه و قامتی معتدل و رویی زیبا از در درآمد. او را هیأتی نیکو و جلالی چشمگیر بود. پدرم تا او را دید از جای برخاست و به سوی او رفت. ندیده بودم چنین رفتاری با کسی کرده باشد. وقتی به او رسید در آغوشش کشید و روی و سینه و شانه‌هایش را بوسید و دستش را گرفته بر مصلاهی خود نشانده و خود پهلوی او در حالی که رویش به او بود نشست. هنگام خطابه به او می‌گفت: جان من و پدر و مادرم فدای تو باد و من از رفتار او تعجب می‌کردم. ناگاه حاجب درآمد و گفت الموفق - برادر معتمد - از راه می‌رسد. رسم این بود که وقتی موفق پیش پدرم می‌آمد ابتدا مأموران تشریفات و محافظان او داخل می‌شدند و در دو صف می‌ایستادند تا وارد شود. پدرم مشغول [

صفحه ۳۶۳] صحبت بود که چشمش به غلامان ولیعهد افتاد. پس عرض کرد خدا مرا فدای تو کند آیا میل دارید و اجازه می‌دهید (از ولیعهد پذیرائی کنم)؟ پس به حاجبان گفت ابومحمد را از پشت صفها راهنمایی کنید که این مرد - یعنی ولیعهد - را نبیند. آنگاه هر دو از جای برخاستند. پدرم ابومحمد را دربر گرفت و تودیع کرد و او از مجلس بیرون رفت. بعد از نماز عشاء که پدرم کارها و گزارشهای خود را برای خلیفه مرتب نمود من در برابرش نشستم. پرسید آیا حاجتی داری؟ گفتم آری اگر اجازت دهی. گفت اجازه دادم. گفتم مردی که امروز صبح این همه به او جلال و احترام می‌نمودی و خود و پدر و مادرت را فدای او می‌کردی کیست؟ گفت ای پسرک من این امام رافضیان حسن ابن علی معروف به ابن‌الرضا است و بعد از اندکی سکوت گفت اگر خلافت از دست بنی‌عباس برود در بنی‌هاشم هیچ کس شایسته‌تر از او برای خلافت نیست. او به خاطر فضل و عفاف و خویشن‌داری و زهد و عبادت و اخلاق پسندیده و صلاح شایسته‌ی این مقام است. پدرش نیز مردی بزرگ و کریم و بخشنده و اصیل (جزل) و نبیل و فاضل بود. احمد بن عبیدالله گفت بعد از هر یک از بنی‌هاشم و سران سپاه و دولتمردان و قضات و فقها و سایر مردم که درباره‌ی ابومحمد سؤال می‌کردم همان پاسخ را می‌شنیدم و دوست و دشمن در ستایش او متفق القول بودند. یک تن از اشعریان پرسید برادرش جعفر چه جور آدمی است؟ احمد گفت: جعفر چه قابل است که درباره‌ی او سؤال یا با ابومحمد مقایسه شود؟ روایت مذکور دلیل محکمی است بر اینکه چرا یگانه پسر آن حضرت یعنی مهدی منتظر (عج) را در هنگام وفات آن حضرت از انظار مخفی نگاه داشتند، زیرا در آن زمان خلافت عباسی بر اثر ضعف شدید خلفاء و ناشایستگی ایشان سخت در معرض خطر بود و غلامان ترک و دیگر [صفحه ۳۶۴] غلامان بر دربار خلافت مسلط بودند و امر و نهی به دست ایشان بود. از سوی دیگر در همان سالها شورش صاحب الزنج در بصره و قیام یعقوب بن لیث صفار در ایران روی داد و خلافت سخت در معرض تهدید قرار گرفت. بنابراین وجود شخص بسیار محترم و بزرگواری مانند امام حسن عسکری (ع) و فرزند او برای عباسیان بسیار ناگوار بود و می‌ترسیدند که اگر حادثه‌ای پیش آید و در آن جمعی از عباسیان از میان بروند هیچ کس شایسته‌تر از علویان و در میان ایشان شایسته‌تر از امام و خاندانش برای خلافت نخواهد بود. روایت زیر را از ابوالادیان نقل کرده‌اند که گفت: من خادم امام عسکری (ع) بودم و رسائل او را به شهرهای دیگر می‌بردم و جواب می‌آوردم. در بیماری منتهی به رحلت وی هم نزد او رفتم نامه‌هایی را که نوشته بود به من داد و فرمود به مداین ببرم. من رفتم و بعد از پانزده روز برگشتم اما دیدم بانگ زاری و شیون از خانه‌ی امام بلند است و جعفر بن علی بر در خانه ایستاده به تعزیت شیعیان پاسخ می‌دهد. با خود گفتم اگر این مرد امام شده باشد کار امامت دگرگون خواهد شد. در این اثنا خادمی بیامد و به جعفر گفت کار تکفین تمام شد. بیا بر جنازه‌ی برادرت نماز بگذار. جعفر و همه‌ی حاضران به داخل خانه رفتند. من هم رفتم و امام را کفن شده دیدم. جعفر پیش رفت تا در نماز امامت کند. وقتی خواست تکبیر بگوید ناگهان کودکی با چهره‌ای گندمگون و موئی کوتاه و مجعد و دندانهایی که بینشان گشادگی بود پیش آمد و ردای جعفر را کشیده گفت: ای عم عقب برو. من برای نماز بر پدرم از تو شایسته‌ترم. جعفر در حالی که رنگش از خشم تیره شد عقب رفت و آن کودک بر جنازه‌ی امام نماز گزارد. او مهدی موعود امام دوازدهم (عج) بود. [صفحه ۳۶۵] از تألیفات امام عسکری (ع) تفسیر قرآن (تهران ۱۲۶۸ و ۱۳۱۵ ق) که منسوب به امام است از همه معروفتر است. عده‌ای از اجله‌ی علمای شیعه این تفسیر را تأیید نموده و صحت انتساب آن از تفسیرهای منسوب به امام صادق (ع) و امام هادی (ع) مستندتر است. دیگر از آثار امام (ع) نامه‌ای است که به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری نوشته‌اند. دیگر مجموعه‌ی حکم و مواعظ و کلمات قصار امام است که در کتب تاریخ و حدیث ثبت است. اثر دیگر منسوب به امام رساله‌ المنقبه در مسائل حلال و حرام است که ابن‌شهر آشوب در کتاب مناقب از آن سخن گفته است. در همین کتاب به نقل از خیبری در مکاتبات الرجال قطعه‌ای از احکام دین منسوب به امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) منقول است. به علاوه احادیث و ادعیه‌ی بسیار از آن حضرت روایت شده است.



## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

